

تئودور هرتسل که بود؟

شکل گیری صهیونیسم

تئودور هرتسل در ۲ مه ۱۸۶۰ در شهر پست، در امپراتوری اتریش-مجارستان (بوداپست امروزی در مجارستان) در خانواده‌ای یهودی و ثروتمند متولد شد. تربیت او بیشتر سکولار بود و تمایلات مذهبی یا فرهنگی یهودی چندان در ابتدا نداشت. او جوانی روشنفکر و بلندپرواز بود که به دنبال ادغام و موفقیت در جامعه‌ی اروپایی بود. تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه وین و سپس فعالیت به عنوان روزنامه‌نگار برای یکی از معتبرترین روزنامه‌های آن زمان، "نویه فرایه پرسه (Neue Freie Presse) در پاریس، نشان‌دهنده‌ی جاه‌طلبی‌های او در محیط‌های فکری و فرهنگی اروپا بود. او در این دوران به ادبیات، نمایشنامه‌نویسی و نقدهای اجتماعی نیز علاقه داشت و نمایشنامه‌هایی نوشت که اگرچه موفقیت چشمگیری کسب نکردند، اما نشان از دغدغه‌های ذهنی و توانایی‌های نوشتاری او داشتند.

نقطه‌ی عطف زندگی و تحول فکری هرتسل، مواجهه نزدیک او با موج فزاینده‌ی یهودستیزی (آنتی‌سمیتیسم) در اروپا بود. رویدادهای مختلف، به ویژه ماجرای دریفوس در فرانسه (پرونده‌ی یک افسر یهودی ارتش فرانسه که به ناحق به خیانت متهم شده بود و موج گسترده‌ای از یهودستیزی را در جامعه فرانسه برانگیخت)، تأثیری عمیق بر او گذاشت. هرتسل که شاهد تظاهرات ضدیهودی در پاریس بود و نفرت عمومی را از نزدیک لمس می‌کرد، به این نتیجه رسید که همگون‌سازی یهودیان در جوامع اروپایی نه تنها غیرممکن است، بلکه تلاشی بی‌حاصل خواهد بود. او دریافت که یهودستیزی پدیده‌ای سطحی و زودگذر نیست، بلکه ریشه‌های عمیقی دارد و یهودیان برای رهایی از آزار و اذیت، نیاز به سرزمینی مستقل و امن دارند. این تجربه، او را از یک روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی سکولار به یک فعال سیاسی پرشور و ایده‌پرداز بدل کرد که تمام زندگی خود را وقف آرمان ایجاد یک میهن ملی برای یهودیان کرد.

شخصیت هرتسل را می‌توان با ویژگی‌هایی چون واقع‌بینی، عمل‌گرایی، قاطعیت و توانایی سازماندهی بالا توصیف کرد. او برخلاف برخی از صهیونیست‌های اولیه که بیشتر به جنبه‌های فرهنگی یا مذهبی بازگشت به صهیون می‌اندیشیدند، رویکردی کاملاً سیاسی و عملیاتی داشت. او معتقد بود که تنها با جلب حمایت بین‌المللی و سازماندهی سیاسی می‌توان به هدف رسید. او فردی کاریزماتیک بود که می‌توانست دیگران را با خود همراه کند و دیدگاه خود را به روشنی و با قدرت بیان کند. یادداشت‌های روزانه‌ی او (Diary) نشان‌دهنده‌ی عمق تفکر، اضطراب‌ها و تعهد بی‌وقفه‌ی او به آرمانش است.

نقش هرتسل در تشکیل اسرائیل:

هرتسل در سال ۱۸۹۶، جزوه‌ای تأثیرگذار با عنوان «دولت یهود (Der Judenstaat)» منتشر کرد. در این کتاب، او چشم‌انداز خود را از یک سرزمین مستقل یهودی برای پناه دادن به یهودیان تحت آزار و اذیت، تشریح کرد. این ایده به سرعت

توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد و هرتسل را به چهره‌ای برجسته در جهان یهود تبدیل نمود. او در این کتاب، ضمن تحلیل وضعیت یهودستیزی، راه‌حل را در تأسیس یک دولت مستقل با ساختاری مدرن و اروپایی می‌دید.

مهم‌ترین اقدامات هرتسل در راستای تحقق این چشم‌انداز عبارتند از:

سازماندهی کنگره‌های صهیونیستی:

در سال ۱۸۹۷، هرتسل نخستین کنگره صهیونیستی را در بازل سوئیس برگزار کرد. هدف این کنگره، ایجاد یک سازمان سیاسی برای متحد کردن یهودیان و گام‌های عملی برای تأسیس یک دولت یهودی بود.

او در این کنگره به عنوان رئیس سازمان صهیونیستی انتخاب شد. کنگره‌های صهیونیستی سالانه برگزار می‌شدند و نقش مهمی در سازماندهی جنبش و جلب حمایت داشتند. هرتسل معتقد بود که «در بازل، من دولت یهود را پایه‌گذاری کردم. اگر این را بلند بگویم، خنده سر می‌دهند، اما در پنج سال، شاید در پنجاه سال، همه این را خواهند دید».

تلاش‌های دیپلماتیک گسترده:

هرتسل ابتکارات دیپلماتیک گسترده‌ای را برای جلب حمایت قدرت‌های جهانی از طرح خود آغاز کرد. او با رهبران بریتانیا، آلمان (امپراتور ویلهلم دوم)، روسیه و امپراتوری عثمانی (سلطان عبدالحمید دوم) مذاکره کرد تا منشور رسمی برای حکومت یهودی در فلسطین را به دست آورد. او تلاش می‌کرد از طریق دیپلماسی بین‌المللی، مشروعیت و حمایت لازم را برای طرح صهیونیستی کسب کند.

اگرچه درخواست‌های او از امپراتور آلمان و سلطان عثمانی ناموفق بود و آن‌ها تمایلی به واگذاری فلسطین نداشتند، اما تلاش‌های او در نهایت به جلب حمایت‌های آتی از سوی بریتانیا منجر شد. (به عنوان مثال، پیشنهاد طرح اوگاندا در سال ۱۹۰۳ توسط دولت بریتانیا برای ایجاد پناهگاهی موقت برای یهودیان در شرق آفریقا، هرچند با مخالفت‌هایی روبرو شد و هرگز به مرحله اجرا نرسید و هرتسل هم به فلسطین به عنوان تنها مقصد نهایی باور داشت).

ترویج مهاجرت یهودیان به فلسطین:

هرتسل به طور فعال مهاجرت یهودیان به فلسطین را ترویج می‌کرد، زیرا آن را سرزمین تاریخی یهودیان می‌دانست. او بر لزوم مهاجرت سازمان‌یافته و هدفمند تأکید داشت تا زیرساخت‌های لازم برای جامعه‌ی یهودی آینده فراهم شود.

میراث هرتسل و تشکیل کشور اسرائیل:

تتودور هرتسل در سال ۱۹۰۴ در سن ۴۴ سالگی درگذشت، حدود ۴۴ سال پیش از تأسیس دولت اسرائیل. او تا زمان مرگ خود ریاست سازمان صهیونیستی را بر عهده داشت و تمام توان خود را صرف این آرمان کرد، تا جایی که گفته می‌شود شدت کار و فشار روانی، به مرگ زودهنگام او کمک کرد. اگرچه او خود شاهد تأسیس اسرائیل نبود، اما دیدگاه‌ها و تلاش‌های

سازمان یافته‌ی او، پایه‌های جنبش صهیونیستی را بنا نهاد که در نهایت در سال ۱۹۴۸ با اعلام موجودیت دولت اسرائیل به اوج خود رسید.

هرتسل تنها فردی است که نامش در اعلامیه استقلال اسرائیل ذکر شده و از او به عنوان "تدوینگر چشم‌انداز دولت یهود" (הוגה חזון המדינה היהודית) و "پدر معنوی کشور یهود" یاد می‌شود. تلاش‌های او برای ایجاد یک نیروی سیاسی یهودی، باعث شد که این جنبش بتواند از تحولات تاریخی، از جمله دو جنگ جهانی، و حوادث ناگوار مانند هولوکاست، بهره‌برداری کند و به هدف خود دست یابد.

منابع:

- ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد: مقالات "تئودور هرتسل" و "صهیونیسم".
- پرتال جامع علوم انسانی: مقاله "شکل‌گیری حکومت و نیروهای مسلح اسرائیل"
- خبرگزاری بسیج: مقاله "پایه‌گذار "رژیم صهیونیستی" کیست؟ + تصاویر"
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: "تئودور هرتسل، پیامبر یهودیت معاصر"



وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان